

بررسی ارتباط بین هوش معنوی و سلامت روان با بهزیستی ذهنی دانش آموزان پایه متوسطه اول شهرستان تنگستان

لیلا جوکار، سرور خباز ثابت، رضا فراشبندی*، نسیم شامرادی و رنامخواستی، بدریه باختری

کارشناس ارشد گروه روانشناسی بالینی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

کارشناس ارشد گروه روانشناسی بالینی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

دانشجوی دکتری گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

کارشناس ارشد علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

کارشناس ارشد گروه روانشناسی عمومی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران

نویسنده ی مسئول: isfahan.khorasgan.phd@gmail.com

09173027186

چکیده

هدف این پژوهش بررسی ارتباط بین هوش معنوی و سلامت روان با بهزیستی ذهنی دانش آموزان پایه متوسطه اول شهرستان تنگستان است. جامعه آماری این پژوهش 2853 نفر از دانش آموزان پایه متوسطه اول شهرستان تنگستان بود که از میان آنها بر اساس فرمول حجم نمونه کوکران و با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای 338 نفر به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند. نوع تحقیق از لحاظ هدف، کاربردی و از نظر نحوه جمع آوری داده ها، همبستگی بوده است. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه های سلامت روان هیل و گلدبرگ (1972)، هوش معنوی بدیع و همکاران (1389) و بهزیستی ذهنی کی یز و ماگیارمو (2003) استفاده گردید. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که بین هوش معنوی و سلامت روان دانش آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین هوش معنوی و بهزیستی ذهنی دانش آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بین سلامت روان و بهزیستی ذهنی پسر و دختر تفاوت معناداری وجود دارد.

واژه گان کلیدی: هوش معنوی، سلامت روان، بهزیستی ذهنی، دانش آموزان پایه متوسطه اول شهرستان تنگستان.

مقدمه

هوش معنوی یکی از توانائی های ذاتی و فطری در انسان است که به گونه ای منحصر به فرد برای حل کردن مشکلات و مسائل مربوط به زندگی و ارزش ها مورد استفاده قرار می گیرد (مصدق، 1390). به عبارتی هوش معنوی قابل توصیف و اندازه گیری است که برای اندازه گیری این هوش می توان به سنجش مهارت ها و توانائی هایی که ناشی از این هوش است پردازیم. نکته شایان توجه این است که مسیر و شیوه زندگی امروز ما، بیش از گذشته، ما را به سمت خودمحوری سوق می دهد (آب روشن، 1393). رفتار و انتظارات خانواده، فشارهای مدرسه، جامعه و حتی شرایط حاکم بر کسب و کار، هر کدام بر روی شکل گیری شخصیت افراد تاثیرات غیر قابل انکاری دارند. هر چند از نظر هوش تحصیلی، هوش اجتماعی و هوش اقتصادی افراد چند شماره با هم فرق می کنند و تاثیر آن در بهبود کیفیت زندگی نسبی است، ولی هوش معنوی نقش ویژه ای در کیفیت زندگی دارد و زندگی را هدفمند و ارزشی می کند. هوش تحصیلی، اجتماعی و اقتصادی حرکتی زمینی دارند و مثل هر حرکت زمینی محدود است، اما حرکت در مسیر هوش معنوی ابعادی آسمانی و نامحدود دارد و جا برای رشد و توسعه در آن بسیار زیاد است (قلی زاده، 1393). هوش معنوی امری اکتسابی است و با ایمان افراد، ارتباط مستقیم است. به عبارت ساده تر هر چه ایمان فرد نسبت به خدای